

۱- عَيْنَ الْأَصَحِّ وَالْأَدَقِّ فِي الْجَوَابِ لِلترجمة :

«العظماء يعظوننا و في الواقع يهبوننا تجارب حياتهم فلنجعل أقوالهم نصب أعيننا!»

- ۱) بزرگان به ما اندرز دادند و در حقیقت تجربه‌های زندگی خود را به ما داده‌اند، بنابراین باید سخن آن‌ها را در برابر دیدگان خود قرار دهیم!
- ۲) اندرزی که بزرگان به ما می‌دهند حقیقتاً تجربه‌های زندگی آن‌ها برای ما می‌باشد، لذا باید سخن آن‌ها را نصب‌العین خویش قرار دهیم!
- ۳) پند دادن بزرگان برای ما واقعیتی است که تجربه‌ی زندگی آن‌ها را به ما عطا می‌کند، لذا باید سخنانشان را مقابل چشمان خود قرار دهیم!
- ۴) بزرگان، ما را پند می‌دهند و در واقع تجربه‌های زندگی خود را به ما می‌بخشند، پس باید سخنان آن‌ها را نصب‌العین خود قرار دهیم!

۲- عَيْنَ الْأَصَحِّ وَالْأَدَقِّ فِي الْجَوَابِ لِلترجمة :

«العقل أفضل شيء أعطاه الله إلى الإنسان، و هو من نعم الله ينفعه في حياته!»

- ۱) برترین نعمت خدا عقل است که به انسان بخشیده است و او از آن در زندگی خود استفاده می‌کند!
- ۲) عقل برترین چیزهاست که خداوند به انسان می‌دهد، و با آن در زندگی خود از نعمت الهی بهره‌مند می‌شود!
- ۳) برتری چیزی که خداوند به انسان بخشیده عقل اوست که از نعمت‌های خداوند است و به او در زندگی سود می‌رساند!
- ۴) عقل برترین چیزی است که خداوند آن را به انسان عطا کرده است، و آن از نعمت‌های خداست که به او در زندگیش سود می‌رساند!

۳- «کسانی که از تجربه‌های خویش عبرت می‌گیرند، از عقل و فهم بهره‌مند هستند!» «عَيْنَ الصَّحِيحِ»

- | | |
|---|--|
| ۱) من يعتبر بالتجارب من نفسه، ينتفع من العقل و الفهم! | ۲) الَّذِينَ يَتَّبِعُونَ بِتَجَارِبِهِمْ، مُتَّعُونَ مِنَ الْعَقْلِ وَ الْفَهْمِ! |
| ۳) من يعتبرون بالتجارب أنفسهم، ينتفعون العقل و الدرك! | ۴) الَّذِينَ يَتَّبِعُونَ بِتَجَارِبِ نَفْسِهِمْ، مُتَّعِينَ بِالْعَقْلِ وَ الدَّرَكِ! |

۴- عَيْنَ الْأَصَحِّ وَالْأَدَقِّ فِي الْجَوَابِ لِلترجمة :

«ليتنفع الإنسان من نعم الله و لا يحرم نفسه منها!»

- | | |
|---|---|
| ۱) نعمت خداوند از جمله منابع انسان است و نباید آن‌ها را بر خود تحریم کند! | ۲) انسان از نعمت‌های الهی استفاده می‌کند و خودش را از آن‌ها محروم نمی‌کند! |
| ۳) انسان باید از نعمت‌های خداوند بهره‌برد و نباید خودش را از آن‌ها محروم کند! | ۴) سود بردن از نعمت‌های الهی بر انسان واجب است و نباید نفس را از آن‌ها محروک کند! |

۵- عَيْنَ الْخَطَأِ:

- | | |
|--|--|
| ۱) زَرْتُ فِي سَفَرِي الْأَوَّلِ سَتَّ مَاطٍ تَارِيخِيَّةٍ جَمِيلَةٍ! | ۲) قَرَأْتُ الدَّرْسَ الْخَامِسَ مِنْ كِتَابِي ثَمَانِي مَرَّاتٍ حَتَّى حَفِظْتُهُ! |
| ۳) صَادَ الصَّقْرُ ثَلَاثَةَ طُيُورٍ صَغِيرَةٍ فِي طَيْرَانِهِ الْحَادِي عَشَرَ! | ۴) لَنْ أُنْسِيَ الْيَوْمَ السَّابِعَةَ مِنْ عَشْرِ أَيَّامٍ كُنْتُ مَعَكَ وَ أَقَمْنَا حَفْلَةً مِيلَادَكَ! |

۶- عَيْنَ الْأَصَحِّ وَالْأَدَقِّ فِي الْجَوَابِ لِلترجمة :

«شاهدت مسرحية حول ترجمة واحد من عظماء تاريخ الفن في العالم، و جعلته أسوة لنفسی!»

- ۱) با دیدن نمایشی از زندگی نامه‌ی یکی از بزرگ‌ترین هنرمندان دنیا او را نمونه‌ای برای خود ساختم!
- ۲) نمایشی را پیرامون شرح حال یکی از هنرمندان عظیم تاریخ هنر جهان دیدم و او برایم الگو شد!
- ۳) مشاهده‌ی نمایشی در مورد حالات یکی از بزرگان دنیای هنر مرا وا داشت که او را الگوی خود قرار دهم!
- ۴) نمایشنامه‌ای را درباره‌ی زندگی نامه‌ی یکی از بزرگان تاریخ هنر در جهان دیدم و او را الگویی برای خود قرار دادم!

۷- الظواهرات كلّها في الحركة و التغير، فلماذا تكونين ثابتة في مكانك و لا تقدّمين إلى الأمام قدماً! "عَيْنَ الصَّحِيحِ فِي التَّرْجُمَةِ

- ۱) تمام پدیده‌ها در حرکت و دگرگونی هستند، پس چرا تو در جای خود ثابت هستی و هیچ قدمی به سمت جلو بر نمی‌داری!
- ۲) پدیده‌های آفرینش در حال حرکت و دگرگونی هستند، اما تو در کار خویش ثابتی و حتی یک قدم به جلو بر نمی‌داری!
- ۳) در حالی که تو بی حرکت هستی و حتی قدمی به سوی پیشرفت بر نمی‌داری تمام پدیده‌ها در حرکت و تکاپو هستند!
- ۴) همه‌ی پدیده‌های هستی در حرکت و تکاپویند، پس چگونه است که تو بی حرکت مانده‌ای و پیشرفت نمی‌کنی!

۸- عَيْنَ الْخَطَأِ فِي التَّرْجُمَةِ :

- ۱) هو كان خير صديقنا في المدرسة، أسفاً على ذهابه من بيننا! : او بهترین دوستان در مدرسه بود، افسوس بر رفتنش از میان ما!
- ۲) هو كاذب لا يرجع من كذبه إلا بعد الفشل! : او دروغ‌گویی است که فقط بعد از شکست، از دروغ خود برمی‌گردد!
- ۳) هذا الطعام قد فسد تحت ضوء الشمس فقذفته بعيداً : این غذا در زیر نور خورشید فاسد شده است لذا آن را دور انداختم!
- ۴) هناك في حياتي سرّ غامض لم يفتن لوجوده أحداً! : در زندگی‌ام راز پیچیده‌ای دارم که کسی پی به وجود آن نمی‌برد!

۹ - عَيْنُ الْخَطَا فِي التَّرْجَمَةِ :

- ۱) كَيْفَ سَتُوجِهُ نَبَأَ وَفَاةِ وَلَدِهَا فِي الْمُسْتَقْبَلِ؟ : او در آینده چگونه با خبر فوت فرزندنش رو به رو خواهد شد؟!
- ۲) إِنَّ الدَّهْرَ يَدُورُ وَلَا يَدُومُ فِيهِ حَزَنٌ وَلَا سُرُورٌ : روزگار در گردش است و غم و شادی در آن دوام ندارد.
- ۳) أَرْجُو مِنْكُمْ أَنْ تَدْعُوا هَؤُلَاءِ النَّاسَ إِلَى الْحَفْلَةِ الْعَظِيمَةِ! : از شما تقاضا دارم که آن مردم را به جشن بزرگی دعوت کنید!
- ۴) شَجَّعَ الْمَعْلَمُ تَلَامِيذَهُ الْمَجْتَهِدِينَ إِلَى الْإِسْتِفَادَةِ مِنْ فُرْصِ الْخَيْرِ : معلم دانش آموزان کوشای خود را به استفاده از فرصت های خوب تشویق کرد.

۱۰ - عَيْنُ الْخَطَا فِي التَّرْجَمَةِ :

- ۱) لَاعْمَلْ أَحْسَنَ مِنْ إِطَاعَةِ اللَّهِ وَ إِطَاعَةِ الْوَالِدِينَ! : هیچ عملی نیکوتر از اطاعت خدا و اطاعت والدین نیست!
- ۲) هَذِهِ هِيَ الْقِصَّةُ الْجَمِيلَةُ الْوَحِيدَةُ الَّتِي قَرَأْتُهَا حَتَّى الْآنَ! : این تنها داستان زیبایی است که آن را تاکنون خوانده است!
- ۳) فَهَمَّتْ مِنْ ظَاهِرِ الشَّابِّ الَّذِي يَتَسَبَّمُ أَنَّهُ قَدْ نَجَحَ! : از ظاهر جوانی که لبخند می زد فهمیدم که او موفق شده است!
- ۴) لَمْ يُلْجِئْنِي الْجُوعَ وَالْعَطَشَ إِلَى أَكْلِ الْحَرَامِ! : گرسنگی و تشنگی است که مرا وادار به خوردن حرام کرده است!

۱۱ - عَيْنُ الْخَطَا فِي التَّرْجَمَةِ:

- ۱) لَيْتَ ذَا الْعِلْمِ يَجْتَنِبُ التَّكَبُّرَ! : کاش صاحب علم از تکبر دوری کند!
- ۲) اللَّهُ سُبْحَانَهُ لَمْ يَخْلُقْكُمْ دُونَ سَبَبٍ! : خداوند سبحان شما را بیهوده نمی آفریند!
- ۳) يَوْمَ لَا يَنْفَعُ الظَّالِمِينَ مَعَذَرَتُهُمْ! : روزی که عذرخواهی ظالمان برای آن ها سودی ندارد!
- ۴) لَنْ أَذْهَبَ إِلَى خَارِجِ الصَّفِّ قَبْلَ الْإِسْتِاذَا! : قبل از استاد به بیرون کلاس نخواهم رفت!

۱۲ - عَيْنُ الصَّحِيحِ فِي التَّرْجَمَةِ:

- ۱) تَتَعَدَّى فِي الْمَدْرَسَةِ حَفْلَةً لَتَكْرِيمِ طَالِبَاتِ مِثَالِيَّاتٍ! : در مدرسه جشن برای بزرگداشت دانش آموزان موفق برگزار می شود!
- ۲) لَا تَسْمَحْ لِلْيَأْسِ أَنْ يَوْثِرَ عَلَى أَفْكَارِكَ وَأَعْمَالِكَ! : به نومیدی اجازه مده تا بر افکار و اعمالت اثر بگذارد!
- ۳) دَخَلَ الطَّلَابُ الصَّفَّ قَلْقِينِ مِنْ إِمْتِحَانَاتِهِمْ! : دانش آموزان نگران از امتحاناتشان وارد کلاس می شوند!
- ۴) عَلَيْكَ أَنْ تَشْتَغَلَ بِنَشَاطٍ وَاجْتِهَادٍ لِلنَّجَاحِ! : تو باید برای نجات یافتن به شادی و تلاش مشغول شوی!

۱۳ - عَيْنُ الْخَطَا فِي التَّرْجَمَةِ:

- ۱) كَانَتْ تَعَانِي الْمَرِيضَةَ مَرْضَاهَا فِي تِلْكَ أَلْيَةِ الْحَزِينَةِ! : مریض در آن شب حزن انگیز از بیماریش رنج می برد!
- ۲) لَمْ يُحَسِّنِ النَّاسُ إِلَى الْفَقِيرِ بِمَالٍ فِي ذَلِكَ الْبَرْدِ الشَّدِيدِ! : مردم به فقیر در آن سرمای شدید پولی ندادند!
- ۳) الرَّؤْيَا إِذَا لَمْ تَنْتَحَقْ، فَهِيَ خَيْرٌ مِنْ عِنْدِ اللَّهِ، فَعَلَى الْإِنْسَانِ أَنْ يَتَوَكَّلَ عَلَيْهِ! : رؤیا هرگاه محقق نشود آن خیری از جانب خداست، پس انسان باید بر او توکل کند!
- ۴) النَّاسُ يَحْتَفِلُونَ فِي أَيَّامٍ خَاصَّةٍ مِنْ حَيَاتِهِمْ وَ يَسْتَقْبِلُونَ الْآخِرِينَ بِحِفَاوَةٍ! : مردم در روزهای خاصی از زندگی خود جشن می گیرند و با گرمی از دیگران استقبال می کنند!

۱۴ - عَيْنُ الصَّحِيحِ فِي التَّرْجَمَةِ:

- ۱) يَخْتَلِفُ النَّاسُ وَجْهًا! : مردم چهره های خود را تغییر می دهند!
- ۲) أَكْرَمَ ضَيْفِكَ فِي كُلِّ الْأَحْوَالِ! : در هر حالی میهمان گرمی است!
- ۳) هِيَ أَحْسَنُ مِنْكَ اجْتِهَادًا! : تلاش او از تو بهتر است!
- ۴) غَاصَ الْغَوَاصُ مَائَتِي مِترَ فِي الْمَاءِ: غَوَاصٌ دَوِيسَتْ مِترَ دَرِ آبِ شَنَا كَرْد.

۱۵ - عَيْنُ الصَّحِيحِ فِي التَّرْجَمَةِ:

- ۱) أَسْأَلُ الْآخِرَةَ وَلَا تَعْمَلْ لَهَا، يَا آخِرْتَ رَا خَوَاهَانِي وَ بَرَايشِ كَارِي نَمِي كَنِي،
- ۲) وَ تَنْكَلِمُ كَأَنَّكَ زَاهِدٌ مُتَبَعِدٌ عَنِ الدُّنْيَا، وَ زَاهِدَانَهُ سَخَنٌ مِي گویی وَ از دُنیا دوری مِي كَنِي،
- ۳) وَ تَعْمَلُ كَالرَّاغِبِينَ فِيهَا، وَ جَوْنِ مُشْتَقَانِ بِي دُنْيَا پِيشِ مِي رُوي،
- ۴) عَلَيْكَ أَنْ تَسْعَى لِمَا تُرِيدُ حَتَّى تَنْجَحَ! : تو برای آن چه مِي خواهی بَكُوشِ تا حتما پيروز باشی!

۱۶ - عَيْنُ الْأَصْحَحِ وَ الْأَدَقِّ فِي التَّرْجَمَةِ :

«لَأَرْجِعَ إِلَى أَسْرَتِي بِالْأَخْبَارِ السَّارَةِ، أَتُعْبِثُ نَفْسِي كَثِيرًا!» :

- ۱) باید با اخبار مسرت بخشی به سوی خانواده ام بازگردم چون نفس خود را بسیار به زحمت انداختم!
- ۲) برای این که با خبرهای شاد به سوی خانواده ی خویش برگردم، نقسم بسیار به زحمت افتاد!
- ۳) برای این که با اخبار خوشحال کننده به سوی خانواده ام بازگردم، نقسم را بسیار به زحمت انداختم!
- ۴) باید خبرهای خوشحال کننده را به خانواده ی خود برگردانم زیرا نقسم بسیار به زحمت افتاده است!

۱۷ - مَا هُوَ الْمَفْهُومُ الصَّحِيحُ لـ « غَزَاةٌ لِنَّا قَتَلُوا وَرَدْنَا / فَلَنْ يَقْتُلُوا الْحُلَمَ فِي الْيَاسْمِينِ » ؟

- ۱) لَا يَسْتَطِيعُ الْعَدُوُّ أَنْ يُهْذِمَ وَطَنًا بِغَضَبِ الْمَدَنِ وَ قَتَلَ مَقَاتِلِنَا!
- ۲) طُغَاةٌ، إِنْ يَهْدِمُوا حُدُودَ الْيَاسْمِينِ، تَنْبِتُ وَرُودٌ جَدِيدَةٌ لِلْمَرْءِ الْآخَرِي!
- ۳) لَا بِالصَّبْرِ تَبْلُغُ مَا تُرِيدُ / وَ بِالْتَّقْوَى يَلِينُ لَكَ الْحَدِيدُ!
- ۴) لَا يُمْكِنُ لِلْأَعْدَاءِ إِخْرَاجَ الْأَمَالِ مِنْ قُلُوبِ شَعْبِنَا بِقَتْلِ شَبَابِنَا!

۱۸ - عَيْنِ الْأَصْحَ وَالْأَدَقَّ فِي الْجَوَابِ لِلتَّعْرِيبِ :

«شنیده‌ایم که هیچ ترسی از سیل در این روستا نیست و کشاورزان در آن با آرامش کار می‌کنند!» :

- ۱) قد سمعنا أن لا خوف من السيل في هذه القرية و يعمل الفلاحون فيها بهدوء! ۲) نسمع أن لا خوفاً من سيل في هذه القرية و يعمل الفلاحون بهدوء فيها!
۳) كان قد سمعنا أن لا خوفاً من السيل في هذه القرية و يعملون الفلاحون بسلام فيها! ۴) قد سمعنا في هذه القرية لا خوفاً من سيل و الفلاحون يعمل فيها بسلام!

۱۹ - ما هو المناسب لمفهوم هذه العبارة: «متى ما تلق من تهوى دغ الدنيا و أهملها!»

- ۱) "الإجتناب عن حب الدنيا" ۲) "تقصير الأمل في الدنيا!" ۳) "عدم إجتماع حب الله و حب الدنيا" ۴) "الإهتمام بالدنيا و ما فيها"

۲۰ - عَيْنِ الْأَصْحَ وَالْأَدَقَّ لِلتَّعْرِيبِ:

«آهو گویی انسانی شاعر است که ماه را با شگفتی بسیاری نظاره می‌کند!»

- ۱) الطبی کأنه إنسان شاعر یرقب القمر بإعجاب کثیر! ۲) کأن الطبی هو الإنسان الشاعر الذی یرقب القمر متعجباً!
۳) کأن ذلک الطبی إنسان شاعر ینظر الی القمر بالإعجاب کثیراً! ۴) الطبی کأنه هو الشاعر الذی یرقب القمر بإعجاب کثیراً!

۲۱ - عَيْنِ الْأَصْحَ وَالْأَدَقَّ فِي الْجَوَابِ لِلتَّرْجَمَةِ أَوْ التَّعْرِيبِ:

عَيْنِ الصَّحِيح:

- ۱) إن فقدت مكان بذورك ألتی بذرتها يوماً: اگر روزی مکان بذرهایی که کاشتی گم شد،
۲) سیخبرک المطر الذی یطر علی الأرض أین قد زرعتها: بارانی که بر زمین می‌بارد به تو خبر خواهد داد که کجا کاشته شده است،
۳) لذا أبذر الخیر فوق أی أرض و تحت أی سماء: لذا فراز هر زمینی و زیرهر آسمانی خیر بکار،
۴) فأنت لا تعلم أین و متى ستجده: چه، تو نخواهی فهمید آن را کی و کجا کاشته‌ای!

۲۲ - عَيْنِ الْأَصْحَ وَالْأَدَقَّ فِي الْجَوَابِ لِلتَّرْجَمَةِ أَوْ التَّعْرِيبِ:

«یکی از عللی که باعث می‌شود دانشجویان ما برای ادامه تحصیلاتشان از ایران مهاجرت نمایند، نبود امکانات مناسب در کشور است!»:

- ۱) إحدى العلل ألتی تصبح سبباً لأن ینهاجر طلابنا من ایران لمواصلة دراساتهم تكون عدم إمکانیات المناسبة فی البلد!
۲) عدم إمکانیات مناسبة للطلاب فی البلاد کان إحدى العلل ألتی هاجروا بعدها من ایران لیواصلوا دراساتهم!
۳) إحدى العلل ألتی كانت سبباً لأن یواصل طلابنا دراساتهم فی المهاجرة من ایران كانت عدم إمکانیات مناسبة فی البلاد!
۴) غیر الإمکانیات المناسبة فی البلد لطلابنا یكون إحدى علل تسبب مهاجرتهم من ایران لیواصلوا دراساتهم!

۲۳ - عَيْنِ الْأَصْحَ وَالْأَدَقَّ فِي الْجَوَابِ لِلتَّرْجَمَةِ أَوْ التَّعْرِيبِ أَوْ الْمَفْهُوم:

«یمكن القول بأن تعالیم الإسلام كانت تحرض المسلمین علی إكتساب العلم!»:

- ۱) می‌توان ادعا کرد که آموزش‌های اسلامی، مسلمانان را به کسب دانش‌ها تشویق می‌نمود!
۲) می‌توان گفت که تعالیم اسلام مسلمان‌ها را به، به دست آوردن دانش تشویق می‌کرد!
۳) باید گفت که این تعالیم اسلام بود که تمامی مسلمانان را به کسب علم و دانش تشویق کرد!
۴) ممکن است گفته شود که این تعالیم دین اسلام است که مسلمانان را به کسب علوم تشویق می‌نماید!

۲۴ - عَيْنِ الْأَصْحَ وَالْأَدَقَّ فِي الْجَوَابِ لِلتَّرْجَمَةِ أَوْ التَّعْرِيبِ أَوْ الْمَفْهُوم:

عَيْنِ الْخَطَأ:

- ۱) خداوند این شهر را ایمن قرار بده: رب اجعل هذا بلداً آمناً! ۲) آیا جز قوم گنهکار، کسی هلاک می‌گردد؟! هل یهلك إلا القوم الفاسقون؟!
۳) چه چیز تو را نسبت به پروردگار بخشنده‌ات فریفته است؟ ما غرک بربک الکریم؟ ۴) چه کسی از خداوند راست گفتارتر است؟ من أصدق من الله حدیثاً؟

۲۵ - عَيْنِ الْأَصْحَ وَالْأَدَقَّ فِي الْجَوَابِ لِلتَّرْجَمَةِ أَوْ التَّعْرِيبِ:

عَيْنِ الْقَرِيبِ فِي الْمَفْهُومِ من «إذا خاطبهم الجاهلون قالوا سلاماً»:

- ۱) آنچه تو بر خود روا داری همان می‌بکن از نیک و از بد با کسان
۲) عقل را با کثرت گفتار نیست لب فرو بستن نشان عاقلی است
۳) شمس تبریزی دو بیت از جانب حق راست گفت عاقل از کردار مست و جاهل از گفتار مست
۴) چو شخصی بر ایشان براند عقاب به گفتار خوش می‌دهندش جواب

۲۶ - عَيْنِ الْأَصْحَ وَالْأَدَقَّ فِي الْجَوَابِ لِلتَّرْجَمَةِ أَوْ التَّعْرِيبِ أَوْ الْمَفْهُوم:

«لا حياة تبقى للحقيقة بعد كل إغراق في المدح و في الذم!»:

- ۱) بعد از هر زیاده‌روی در مدح و ذم، هیچ حیاتی برای حقیقت باقی نمی‌ماند! ۲) هیچ حیاتی وجود ندارد که بعد از مدح و ذم مبالغه‌آمیز، حقیقت را نشان دهد!
۳) هیچ حیاتی، بعد از اغراق در هر گونه مدح و ذم، برای حقیقت باقی نخواهد ماند! ۴) بعد از مبالغه‌ها چه در مدح و چه در ذم، هیچ حیاتی نمی‌ماند که حقیقت در آن باشد!

۲۷ - عَيْنُ الْأَصَحِّ وَالْأَدَقِّ فِي الْأَجُوبَةِ لِلتَّرْجُمَةِ أَوْ التَّعْرِيبِ:

«سخنی را که با مقتضا حال مطابقت می‌کند و در آن شیوایی کلمات و زیبایی لغات وجود دارد، بلیغ به شمار می‌آوریم!»:

- ① نَعْتَبِرُهُ كَلَامًا يَطَابِقُ مَقْتَضَى الْحَالِ عِلَاوَةً عَلَى فَصَاحَةِ الْكَلِمَاتِ وَ جَمَالِ الْمَفْرَدَاتِ بَلِيغًا! ② نَعَدُّ كَلَامًا يَطَابِقُ مَقْتَضَى الْحَالِ وَ فِيهِ فَصَاحَةُ الْكَلِمَاتِ وَ جَمَالِ الْمَفْرَدَاتِ بَلِيغًا!
- ③ نَعْتَبِرُ اكْلَامَ الْبَلِيغِ الَّذِي يَطَابِقُ مَقْتَضَى حَالٍ مُضَافًا إِلَى فَصَاحَةِ كَلِمَاتِهِ وَ جَمَالِ مَفْرَدَاتِهِ! ④ كَلَامٌ يُعْتَبَرُ بَلِيغًا وَ فِيهِ فَصَاحَةُ الْكَلِمَاتِ وَ جَمَالِ اللُّغَاتِ وَ مُطَابِقٌ لِمَقْتَضَى الْأَحْوَالِ!

۲۸ - عَيْنُ الْأَصَحِّ وَالْأَدَقِّ فِي الْجَوَابِ لِلتَّرْجُمَةِ أَوْ التَّعْرِيبِ أَوْ الْمَقْهُومِ:

«يَقُولُونَ فِي الْإِسْلَامِ ظُلْمًا بِأَنَّهُ يَصَدُّ ذَوِيهِ عَنْ طَرِيقِ التَّقَدُّمِ»:

- ① ظَالِمَانِ دِرْبَارَةَ اِسْلَامِ مِیْ گُویند که آن ② هُوادارنش را از راه پیشرفت با داشته است
- ③ دِرْبَارَةَ اِسْلَامِ ظَالِمَانِه سَخْنِ مِیْ گُویند که ④ طرفداران آن از راه پیشرفت بازمی‌مانند
- ③ دِرْبَارَةَ اِسْلَامِ از روی جفا سخن می‌گویند ④ حامیان آن از پیشروی بازمانده‌اند
- ④ از روی ستم دِرْبَارَةَ اِسْلَامِ مِیْ گُویند که آن ④ طرفدارانش را از راه پیشرفت بازمی‌دارد

۲۹ - عَيْنُ الْأَصَحِّ وَالْأَدَقِّ فِي الْجَوَابِ لِلتَّرْجُمَةِ أَوْ التَّعْرِيبِ أَوْ الْمَقْهُومِ:

«بَعْضُ الْآبَاءِ وَالْأُمَّهَاتِ لَا يَهْتَمُّونَ بِتَرْبِيَةِ الْأَوْلَادِ وَلَا يَعْلَمُونَ أَنَّ التَّرْبِيَةَ سَبَبٌ هَامٌّ لِتَقَدُّمِ الْمَجْتَمَعَاتِ الْبَشَرِيَّةِ!»:

- ① بَرخی پِردِها و مادرها به تربیت فرزندانشان توجه نمی‌کنند و نمی‌دانند که تربیت دلیل مهم برای پیشرفت جوامع انسانی است!
- ② بَعْضِی پِدران و مادران به تربیت فرزندان اهتمام نمی‌ورزند و نمی‌دانند که تربیت دلیل مهمی برای پیشرفت جوامع بشری است!
- ③ بَرخی پِدران و مادران به تربیت فرزندان توجهی ندارند و اینکه تربیت یکی از دلیل‌های مهم در رشد جوامع بشری است را نمی‌دانند!
- ④ بَعْضِی پِدرها و مادرها به تربیت بچه‌ها توجه نمی‌کنند و نمی‌دانند که تربیت تنها دلیل مهم برای رشد جوامع بشری است!

۳۰ - عَيْنُ الْأَصَحِّ وَالْأَدَقِّ فِي الْجَوَابِ لِلتَّرْجُمَةِ أَوْ التَّعْرِيبِ:

«خردمندان هر جامعه‌ای، نقشه‌ای دارند که آنان را در نزدیکی برای رسیدن به هدف‌هایشان کمک می‌کند!»:

- ① عَقْلَاءُ كُلِّ مَجْتَمَعٍ لَهُمْ خُطَّةٌ يُسَاعِدُهُمْ فِي حَيَاتِهِمْ لِلْوُصُولِ إِلَى غَايَاتِهِمْ! ② لِلْعَقْلَاءِ فِي كُلِّ مَجْتَمَعٍ خُطَّةٌ تُسَاعِدُهُمْ فِي الْحَيَاةِ لِلْوُصُولِ إِلَى أَهْدَافِهِمْ!
- ③ لِلْعَقْلَاءِ كُلِّ مَجْتَمَعٍ تُسَاعِدُهُمْ فِي الْحَيَاةِ لِلْوُصُولِ إِلَى غَايَاتِهِمْ! ④ عَقْلَاءُ كُلِّ مَجْتَمَعٍ لَهُمْ خُطَّةٌ يُسَاعِدُونَهُمْ فِي الْعَيْشِ لِلْوُصُولِ إِلَى أَهْدَافِهِمْ!

پاسخنامه تشریحی

۱ - گزینه ۴

کلمات کلیدی: العظماء / يعظوننا / يهبونا / تجارب / حياتهم / فلنجل / أقوالهم

مقایسه گزینه ها مطابق با کلمات مهم:

يعظوننا: در گزینه (۱) این فعل به صورت ماضی در گزینه (۳) به صورت مصدر ترجمه شده است که نادرست است. این فعل مضارع است و به معنای «ما را پند می دهند»

أقوالهم: جمع مکسر قول است و نباید مفرد ترجمه شود. (رد گزینه ی ۱ و ۲)

سخت

۲ - گزینه ۴

کلمات کلیدی: العقل أفضل / شيء أعطاه الله / نعم الله / ينفعه / حياته

مقایسه ی کیده ها در گزینه ها: «شيء»: «چیزی»؛ اولاً مفرد است نباید به صورت جمع بیاید، ثانیاً نکره است و همراه (ی) وحدت یا نکره می آید. [رد گزینه های (۱) و (۲)]

العقل أفضل ... : «عقل برترین است» مبتدا است، پس در ترجمه باید به عنوان نهاد به کار برود. [رد گزینه های (۱) و (۳)]

سخت

۳ - گزینه ۲

(کسانی که عبرت می گیرند: الَّذِينَ يَتَّبِعُونَ)، فعل و اسم موصول باید هر دو به صورت جمع بیایند. (حذف گزینه ۱)

(تجربه های خویش: بتجارِبهم، بتجارِبِ نفسهم)، «تجارب» چون مضاف واقع شده است، نباید «ال» داشته باشد (رد گزینه های ۱ و ۳)

(بهره مند هستند: مُتَنَفِعُونَ)، این کلمه خبر است که اولاً باید به صورت مرفوع بیاید و هم چنین اسم است که نباید به صورت فعل نوشته شود. (حذف گزینه های ۱ و ۳ و ۴)

سخت

۴ - گزینه ۳

بررسی موارد در سایر گزینه ها:

(۱) لَيْتَنُفَعُ: باید بهره ببرد (لِ + فعل مضارع + ابتدای جمله = فعل امر غایب است که به صورت «باید + مضارع التزامی» ترجمه شود). / نعم: نعمت ها (جمع «نعمه» است) / منها: از آن ها «آن ها را» ترجمه شده است که به صورت مفعول است و اشتباه است.)

(۲) لَيْتَنُفَعُ ← مانند گزینه (۱) / لا يحرم: فعل نهی غایب است و به صورت «نباید محروم کند» ترجمه می شود / نعم الله: نعمت های خداوند (نعم الله یک ترکیب اضافی است که به غلط به صورت وصفی "نعمت های الهی" ترجمه شده است.)

(۴) لَيْتَنُفَعُ ← مانند گزینه (۱) / نفسه: خودش را، نفسش را و نعمت های الهی ترجمه ی درست برای نعم الله = نعمت های خدا نیست. (ضمیر "ه" در نفسه ترجمه نشده است.)

سخت

۵ - گزینه ۴

نکته: اعداد ترتیبی در حکم صفت هستند و باید با معدود خود مطابقت کنند. اليوم السابعة ← اليوم السابع

نکته: اعداد ۳ تا ۱۰ مخالف جنس معدود خود می آیند، همچنین معدود آن ها باید به صورت جمع و مجرور باشد. عشر أئاما ← عشرة أئام

سخت

۶ - گزینه ۴

(۱) شاهدتُ: دیدم (فعل ماضی است و به اشتباه به صورت مصدر ترجمه شده است). / عظماء تاریخ الفن: بزرگان تاریخ هنر (ترکیب اضافی است و به همین ترتیب باید ترجمه شود)

(۲) عظماء تاریخ الفن ← مانند گزینه (۱) / أسوةً: الگویی (نکره است اما به صورت معرفه ترجمه شده است) / جعلتهُ أسوةً لنفسی: او را برای خود الگویی قرار دادم.

(۳) شاهدتُ ← مانند گزینه (۱) / عظماء تاریخ الفن ← مانند گزینه (۱) / جعلتهُ أسوةً لنفسی ← مانند گزینه (۲) (به صورت مضارع التزامی ترجمه شده و

اشتباه است.)

سخت

۷ - گزینه ۱

(۲) الظاهرات كلها: همه ی پدیده ها («آفرینش» زائد ترجمه شده است.)

(۳) إلى الأمام: به جلو («الأمام» پیشرفت ترجمه شده و اشتباه است.) / فی مکانک: در مکان خود، در جای خود (ترجمه نشده است.) / فلماذا: «پس چرا» ترجمه نشده است.

(۴) الظاهرات: پدیده ها («هستی» زائد ترجمه شده است.) / فلماذا: پس چرا («پس چگونه است» ترجمه شده و اشتباه است.) / إلى الأمام قدمًا: قدمی به سمت جلو (ترجمه نشده است.)

سخت

۸ - گزینه ۴

«هناک» هنگامی که در ابتدای جمله می آید خبر مقدم است و به معنای «وجود دارد» ترجمه می شود. / لم + فعل مضارع ← به صورت ماضی منفی ساده یا نقلی ترجمه می شود. یعنی «پی نبرد»!

سخت

۹ - گزینه ۳

هؤلاء: به معنی «این ها» است و چون مردم جمع است دارای ال به صورت مفرد ترجمه می شود ← این مردم در صورتی که آن مردم ← آن اشاره به دور است / الحفلة العظيمة: جشن بزرگ (معرفه است)

سخت

۱۰ - گزینه ۴

«لم + فعل مضارع = ماضی ساده منفی یا ماضی نقلی منفی»

لم + يُلجئني = مرا وادار نکرده است (وادار نکرد)

الجوع فاعل است و العطش معطوف به آن است باید به صورت فاعل ترجمه شود که به صورت جمله اسمیه ترجمه شده است.

ترجمه صحیح: گرسنگی و تشنگی مرا به خوردن حرام وادار نکرد. (وادار نکرده است)

سخت

۱۱ - گزینه ۲

خطای موجود در گزینه ۲:

«لم يخلقكم»: نیافرید - نیافریده است (لم + فعل مضارع = ماضی ساده منفی یا ماضی نقلی منفی) نمی آفریند نادرست است.

سخت

۱۲ - گزینه ۲

بررسی سایر گزینه ها:

گزینه ی ۱: «حفلة»: جشنی (نکره است) / «طالبات مثالیات»: دانش آموزان نمونه (هر دو نکره هستند و یکی از آن ها همراه لفظ «ی» ترجمه می شود، همچنین «مثالیات» به معنای «نمونه ها» است نه «موفق»

گزینه ی ۳: «قلقین»: حال مفرد است و همراه لفظ «در حالی که» ترجمه می شود نه به صورت «مضاف الیه» و «دخل» فعل ماضی است ← داخل شدند

گزینه ی ۴: «للنجاح»: برای پیروزی - برای موفقیت (اشتباه ترجمه شده است) / «النشاط» نیز به معنای «فعالیت» است نه «شادی»

سخت

۱۳ - گزینه ۲

ترجمه درست: مردم در آن سرمای شدید به آن فقیر از نظر مالی نیکی نکردند.

سخت

۱۴ - گزینه ۳

گزینه ی ۱ مردم از لحظ چهره تفاوت دارند. گزینه ی ۲ در همه ی احوال مهمان را گرمی بداد. در گزینه ی ۴ غواص صدمتر در آب شنا کرد.

سخت

۱۵ - گزینه ۱

در گزینه ی ۲ نتکلم می گوئیم است و می گویی غلط است در گزینه ی ۳ تعمل کار می کنی درست است و پیش می روی غلط است و در گزینه ی ۴ ان تسعی: سعی کنی درست است و بکوش غلط است.

سخت

۱۶ - گزینه ۳

«لأرجع: برای که برگردم، (رد گزینه‌های ۱ و ۴) / «أتعبتُ: به زحمت انداختم» (رد گزینه‌های ۲ و ۴)

سخت

۱۷ - گزینه ۴

ترجمه‌ی بیت داده شده: «مهاجمان اشغالگر اگرچه گل سرخ ما را بکشند، رؤیا (رؤیای امید و پیروزی) را در گل یاسمن (نسل آینده) نخواهند کشت»، که این موضوع با عبارت گزینه‌ی ۴ ارتباط مفهومی دارد.

ترجمه‌ی گزینه‌ی ۴: «برای دشمنان بیرون کردن آرزوها از دل ملت‌های ما، با کشتن جوانانمان ممکن نیست.» بیت صورت سؤال و این گزینه هر دو به از بین نرفتن امید، اشاره دارند.

بررسی سایر گزینه‌ها:

گزینه‌ی ۱: «ترجمه‌ی عبارت «دشمن نمی‌تواند که با اشغال شهرها و کشتن جنگجویان وطن ما را ویران کند!» ارتباطی با مفهوم شعر ندارد.

گزینه‌ی ۲: «گردن‌کشان، اگر باغ‌های یاسمن را ویران کنند، دوباره گل‌هایی جدید می‌رویند!» ارتباطی با مفهوم شعر ندارد.

گزینه‌ی ۳: «آگاه باش! با صبر به آن‌چه می‌خواهی می‌رسی / و با تقوا آهن برای تو نرم می‌شود!» ارتباطی با مفهوم شعر ندارد.

سخت

۱۸ - گزینه ۱

«شنیده‌ایم: قد سمعنا (ماضی نقلی) / «هیچ ترسی نیست»: لا خوف / «از سیل»: من السيل (معرفه) / «در این روستا»: فی هذه القرية (القری جمع است.) /

«کشاورزان»: الفلاحون / «با آرامش»: بهدوء، بسلام / «کار می‌کنند»: يعمل (در این جا)، يعملون

سخت

۱۹ - گزینه ۳

«هر وقت کسی را ملاقات می‌کنی که دوست داری «محبوب» دنیا را رها کن و به آن بی‌توجه باش!»

ترجمه‌ی گزینه‌ها:

(۱) دوری جستن از دوست داشتن دنیا

(۲) کوتاه کردن آرزو در دنیا

(۳) جمع نشدن حبّ خدا و دنیا

(۴) توجه به دنیا و آنچه در آن است.

سخت

۲۰ - گزینه ۱

«انسانی شاعر: إنسانٌ شاعرٌ» رد گزینه‌های ۲ و ۴

«آهو: الظبي» رد گزینه ۳ (در این گزینه از اسم اشاره «ذلک» استفاده شده است.)

سخت

۲۱ - گزینه ۳

در گزینه‌های ۱ و ۲ فعل‌های «بذرته‌ها» و «زرعتها» دارای مفعول (ها) هستند و لذا نباید مجهول ترجمه شوند، «گم شد» ← «گم کردی»، «کاشته شده» ←

«آن را کاشته‌ای»

سخت

۲۲ - گزینه ۱

بررسی سایر گزینه‌ها:

در گزینه ۲ ← باعث می‌شود ترجمه نشده است و ضمیر «نا» در «دانشجویان» نیامده است / بَعْدَها: زائد است.

در گزینه ۳ ← کانت سبباً: به صورت ماضی آمده در صورتی که «باعث می‌شود» مضارع است.

امکانیات مناسبه: موصوف و صفت نکره می‌باشد در صورتی که باید به صورت معرفه باشد.

در گزینه ۴ ← کلمه «غیر» معادل درست برای «نبودن» نیست و فعل «تکون» صحیح است «یکون» مذكر آمده است.

سخت

۲۳ - گزینه ۲

بررسی کلمات

يُمْكِنُ القول: می‌توان گفت / بَأَنَّ تعاليمَ الاسلام: به اینکه تعالیم اسلام (آموزش‌های اسلام) / کات تحرّضُ: تشویق می‌کرد (فعل ماضی استمراری) / علی

إكتساب العلم: نسبت به دست آوردن دانش

سخت

۲۴ - گزینه ۱

شكل صحيح رَبِّ اجْعَلْ هذا البلد آمناً

سخت

۲۵ - گزینه ۴

«آنگاه که افراد نادان آن‌ها را مخاطب سازند سلام گویند.» مفهوم آن فقط با گزینه ۴ همخوانی دارد.

سخت

۲۶ - گزینه ۱

لا: لای نفی جنس است چون بر سر اسم آمده و معنی «هیچ» می‌دهد.

پس «لا حیاة تبقي» = هیچ حیاتی باقی نمی‌ماند (رد گزینه ۳)

در گزینه ۲: فعل «تبقي» ترجمه نشده / «نشان می‌دهد» اضافی است / «کل» ترجمه نشده

در گزینه ۳: «کل» ترجمه نشده / «باقی نخواهد ماند» غلط ترجمه شده

در گزینه ۴: «کل» ترجمه نشده / «مبالغه‌ها» جمع بسته شده و غلط است / «حقیقت در آن باشد» معادلی در جمله ندارد!

سخت

۲۷ - گزینه ۲

سخنی: کلاماً / مطابقت می‌کند: يُطابق / در آن: فيه / زیبایی: جمال / به شمار می‌آوریم: نعدّ، نعتبر.

تشریح سایر گزینه‌ها:

در گزینه «۱» (نعتبره - علاوة علی)، در گزینه «۳» (الكلام البلیغ - الذی - مضافاً - مفرداته) و در گزینه «۴» (يُعتَبر - مطابق - الأحوال) نادرست است.

سخت

۲۸ - گزینه ۴

ظلماً: از روی ستم (رد گزینه‌های ۱ و ۲)

یصدّ: باز می‌دارد (رد گزینه‌های ۱ و ۲ و ۳)

طریق التّقدّم: راه پیشرفت

سخت

۲۹ - گزینه ۲

گزینه ۱: «فرزندانشان» و «دلیل مهم» نادرست است.

گزینه ۳: «یکی از دلیل‌های مهم» نادرست است.

گزینه ۴: «تنها دلیل مهم» یکی ترجمه مناسب نیست و نادرست است.

سخت

۳۰ - گزینه ۳

بررسی سایر گزینه‌ها:

گزینه ۱: به دلیل «يُساعدهم» و «حياتهم» نادرست است.

گزینه ۲: «في» در «في كلّ مجتمع» اضافی است.

گزینه ۴: «يُساعدون» مرجعش «خُطّة» است و نادرست می‌باشد.

سخت

پاسخنامه کلیدی

۱ - ۴	۶ - ۴	۱۱ - ۲	۱۶ - ۳	۲۱ - ۳	۲۶ - ۱
۲ - ۴	۷ - ۱	۱۲ - ۲	۱۷ - ۴	۲۲ - ۱	۲۷ - ۲
۳ - ۲	۸ - ۴	۱۳ - ۲	۱۸ - ۱	۲۳ - ۲	۲۸ - ۴
۴ - ۳	۹ - ۳	۱۴ - ۳	۱۹ - ۳	۲۴ - ۱	۲۹ - ۲
۵ - ۴	۱۰ - ۴	۱۵ - ۱	۲۰ - ۱	۲۵ - ۴	۳۰ - ۳